



## مطالعه تطبیقی هم‌گرایی

### در اروپا و خاورمیانه:

### با نگاهی به سیاست همسایگی

### جمهوری اسلامی ایران

محمد صاحبی<sup>۱</sup>

درجه مقاله: علمی

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۲/۰۸/۲۳

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۲/۰۷/۱۱

<sup>۱</sup>. دانشجوی دکتری، گروه حقوق و روابط بین الملل - دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، واحد علوم تحقیقات تهران

## چکیده

تاریخ اروپا و فرایند وحدت این قاره طی دهه‌های اخیر، نشان داده است هرگاه نخبگان سیاسی، تجارب مثبت و منفی را چراغ راه آینده قرار داده و زمینه کاستن از اختلافات و تاکید بر اشتراکات را مهیا سازند، با سرعت بیشتری به اهداف و آرمان‌های خود به صورت جمعی دست می‌یابند. از آن‌جا که بهره‌گیری از مدل‌های موفق و الهام گرفتن از عقل و استدلال، می‌تواند کمکی برای دیگر کشورها در مناطق مختلف جغرافیایی باشد تا شاید با استفاده از تجربه اتحادیه اروپایی به‌عنوان الگوی شایسته در هم‌گرایی، زمینه تقویت صلح و ثبات در منطقه خود را فراهم آورند؛ این مقاله با به‌کارگیری روش کیفی مبتنی بر مطالعه مقایسه‌ای درصدد بررسی علمی دلایل موفقیت کشورهای اروپایی در پی‌ریزی اتحاد منطقه‌ای و هم‌زمان دلایل ناکامی کشورهای خاورمیانه در تبدیل اختلافات به زمینه‌های همکاری و پایه‌گذاری نوعی هم‌گرایی منطقه‌ای می‌باشد. سؤال اصلی این پژوهش این است که آیا مدل هم‌گرایی در اروپا می‌تواند به‌عنوان یک الگوی موفق در خاورمیانه مورد اقتباس قرار گیرد؟ فرضیه پژوهش حاضر این است که مدل هم‌گرایی در اروپا به دلایل متعدد در حال حاضر در خاورمیانه قابل اقتباس نمی‌باشد. مهم‌ترین یافته پژوهش حاضر این است که دلیل عمده عدم امکان هم‌گرایی منطقه‌ای در خاورمیانه، فقدان زیرساخت‌های لازم فرهنگی، اجتماعی و سیاسی جهت شکل‌گیری هم‌گرایی منطقه‌ای مشابه اتحادیه اروپا می‌باشد.

• واژگان کلیدی

هم‌گرایی منطقه‌ای، مطالعه تطبیقی، اتحادیه اروپا، خاورمیانه.

## مقدمه

موفقیت‌های چشم‌گیر کشورهای اروپایی در پایه‌گذاری نوعی هم‌گرایی در قالب اتحادیه اروپا، اندیشمندان و سیاستمداران خاورمیانه را در مقابل این سؤال قرار می‌دهد که چرا علی‌رغم تاریخچه تاریک کشورهای اروپایی در جنگ و خون‌ریزی، این کشورها توانسته‌اند با تمسک جستن به برخی اشتراکات و کاستن از بار اختلافات و ایجاد نوعی گفتمان فراملی و منطقه‌ای، نهایتاً نوعی هم‌گرایی کم‌سابقه را در قالب اتحادیه اروپا پایه‌گذاری نمایند. هرچند در سالیان اخیر با طرح موضوعات اختلاف برانگیز بین کشورهای عضو اتحادیه خصوصاً پس از خروج بریتانیا از اتحادیه و به‌دنبال آن مسائل ناشی از بحران کرونا، موضوع واگرایی در این منطقه بار دیگر در محافل فکری و اندیشکده‌های مختلف مورد توجه قرار گرفته است، با این حال بعید به نظر می‌رسد اختلافات موجود و بحران‌های پیش‌رو، اروپای واحد را به قبل از پیدایش هم‌گرایی بازگرداند؛ چراکه بسیاری از دستاوردهای این هم‌گرایی هم اکنون در درون جوامع اروپایی ریشه دوانده و زدودن آنها ناممکن بوده یا بسیار دشوار می‌نماید. بنابراین، با توجه به دستاوردهای اتحادیه اروپا، همواره سؤال مشابهی در اذهان اندیشمندان مطرح است که چرا در خاورمیانه علی‌رغم برخورداری از اشتراکات فراوان تاریخی و مذهبی و فرهنگی، زمینه هم‌گرایی حتی در نوع ابتدائی آن به چشم نمی‌خورد و فراتر از این، چرا این کشورها درگیر اختلافات شدید عقیدتی و سیاسی بوده و امکان تمسک به نوعی گفتمان فراملی و منطقه‌ای در این منطقه وجود ندارد. لذا با توجه به آن چه که گفته شد، سؤال اصلی این پژوهش این است که آیا مدل هم‌گرایی در اروپا می‌تواند به‌عنوان یک الگوی موفق در خاورمیانه مورد اقتباس قرار گیرد؟

فرضیه پژوهش حاضر این است که مدل هم‌گرایی در اروپا به دلایل متعدد در حال حاضر در خاورمیانه قابل اقتباس نمی‌باشد. همچنین با هدف تبیین و پاسخ‌گویی به سؤال اصلی، ناگزیر از طرح سؤالات فرعی دیگری می‌باشیم. از جمله: ریشه‌های تاریخی هم‌گرایی در اروپا کدام‌اند؟ بستر نظری هم‌گرایی در اروپا چیست؟ زمینه‌های اجتماعی و فرهنگی هم‌گرایی در اروپا و سیر تحول آن کدام است؟ آیا مؤلفه‌های فرهنگی و اجتماعی در خاورمیانه در راستای هم‌گرایی است؟ آیا تاکنون تلاش‌هایی در خاورمیانه برای نیل به هم‌گرایی صورت پذیرفته و ماهیت این تلاش‌ها چگونه بوده است؟

## ریشه های تاریخی هم‌گرایی در اروپا

اتحادیه اروپایی به شکل امروزی از بازیگران مهم عرصه سیاست بین‌الملل محسوب می‌شود. کشورهای عضو این اتحادیه با تمسک به اشتراکات موجود و کاستن از بار اختلافات توانسته‌اند ضمن هم‌افزایی قدرت ملی به‌عنوان یک قدرت منطقه‌ای تأثیرگذار و کم‌نظیر ظهور یافته و در بسیاری از معادلات جهانی حرفی برای گفتن داشته باشند. شاید هر کدام از این کشورها به تنهایی از ایفای نقش عمده در عرصه بین‌المللی ناتوان یا کم‌توان باشند، ولی اعمال قدرت سیاسی از مسیر هم‌گرایی بدون تردید بر قدرت تأثیرگذاری آن‌ها افزوده است. با این حال، آن‌چه امروز خود را به‌عنوان اتحادیه اروپایی به منصفه ظهور گذارده است، در حقیقت محصول سالیان طولانی از آزمون و خطا بوده که با هدایت رهبران معاصر این اتحادیه راه به سرمنزل مقصود رسانده است. اندیشه هم‌گرایی اروپا به سال‌های بسیار دور باز می‌گردد. نگاهی به تاریخ اروپا از زمان رومیان تا عصر ناپلئون و پس از آن قرن نوزدهم میلادی، نمایان‌گر میل همیشگی اروپا برای دست یافتن به یک پارچگی بوده است. این میل در زمانی توسط ناپلئون پیگیری می‌شد و در مقطعی دیگر در قرن نوزدهم، آدولف هیتلر در صدد تحقق آن به نفع جامعه و نژاد آلمانی بود. ریچارد کودن هوف کالوجی<sup>۱</sup> بنیان‌گذار جنبش پان اروپایی در سال ۱۹۲۳ توانست حمایت چندین سیاست‌مدار را برای طرح‌ریزی ساختاری اروپایی جلب نماید، هرچند طرح ایده وی از زبان نخست‌وزیر وقت فرانسه در ۷ سپتامبر ۱۹۲۹ در جریان دهمین اجلاس عمومی جامعه ملل با مخالفت شدید انگلستان در آن مقطع مواجه شد. در فاصله بین دو جنگ جهانی نیز در مقطعی ایده هم‌گرایی در اروپا مطرح گردید. در واشنگتن ژان مونه<sup>۲</sup> (۱۸۸۸-۱۹۷۷) تاجر فرانسوی که طرح چرچیل را برای اتحاد فرانسه و انگلستان در دوران جنگ تعدیه فکری نموده بود، سرانجام متقاعد گردید که راه بازگشت صلح و ثبات به اروپا، تقویت هم‌گرایی به خصوص در زمینه‌های اقتصادی است (خالوزاده، ۱۴۰۰: ۴).

ایده اروپای واحد در مقاطع مختلف پس از جنگ دوم جهانی در میان کشورهای اروپایی و رهبران آن طرح و دنبال می‌گردید. گویی تجربه تلخ ناشی از جنگ دوم جهانی که به نابودی بخش بزرگی از اروپا و از بین رفتن سرمایه‌های انسانی و منابع اقتصادی بخش‌هایی از این قاره منتهی شده بود، رهبران وقت اروپایی را به این نتیجه رسانده بود که برای پرهیز از تکرار این تجربه، بایستی منافع کشورهای متبوع خود را از مسیر هم‌گرایی دنبال نمایند. طبعاً در این مسیر

<sup>۱</sup> Richard Coden Huff Kalogi

<sup>۲</sup> Jean Monnet

ضروری می‌نماید هر کشور بخشی از حوزه اختیارات خود را به نهادهای فراملی واگذار نماید تا در کنار آن بتواند از مواهب هم‌گرایی بهره‌مند شود. با پایان جنگ دوم جهانی و در جریان کنگره لاهه در می ۱۹۴۸، رهبران و چهره‌های سیاسی اروپایی همچون وینستون چرچیل<sup>۱</sup>، آنتونی ادن<sup>۲</sup> و مک میلان<sup>۳</sup> از انگلستان، فرانسوا میتران<sup>۴</sup> از فرانسه و چهره‌های دیگری از بلژیک، هلند، آلمان و ایتالیا بحث‌های گسترده‌ای در خصوص ساختار اروپایی بعد از جنگ نمودند که نهایتاً به تشکیل شورای اروپا در ماه می ۱۹۴۹ منجر گردید (خالوزاده، ۱۴۰۰: ۱۵). از آن زمان تا به امروز، روند هم‌گرایی علی‌رغم دشواری‌های فراوان و محدودیت‌های مقطعی، استمرار یافته تا جایی که اکنون شاهد شکل‌گیری نوعی هم‌گرایی گسترده منطقه‌ای در قالب اتحادیه اروپایی می‌باشیم.

### بستر نظری هم‌گرایی

برای نیل به درک صحیح دلایل هم‌گرایی در اتحادیه اروپایی باید مبانی نظری این امر مورد تدقیق و واکاوی قرار گیرد. فهم و درک و تحلیل درست روابط بین‌الملل در گرو شناخت دقیق و عمیق نظریه‌های روابط بین‌الملل است، به گونه‌ای که می‌توان ادعا کرد بدون نظریه نمی‌توان روابط بین‌الملل را به خوبی درک و فهم نمود (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۹۴: ۱۰۹). بنیان نهادن اتحادیه اروپایی در حقیقت ریشه در نظریه کارکردگرایی<sup>۵</sup> دارد. بر اساس این نظریه، همکاری بین واحدهای سیاسی در زمینه‌های مختلف فنی، علمی و اقتصادی آغاز و به سایر بخش‌ها تسری یافته و کم‌کم در شکل تکامل یافته آن باعث ایجاد یک هم‌گرایی سیاسی خواهد شد.

در ارتباط با شکل‌گیری هم‌گرایی در اروپا نیز همکاری‌های کشورهای بزرگ این منطقه در زمینه‌های اقتصادی و فنی آغاز و بر اساس نظریه کارکردگرایی به سایر بخش‌ها و زمینه‌ها تسری یافت تا جایی که امروزه نه تنها شاهد این همکاری‌ها در زمینه‌های اقتصادی و فنی هستیم، بلکه این امر به طیف وسیعی از زمینه‌ها از جمله موضوعات سیاسی، دفاعی و امنیتی نیز تسری یافته است. در این ارتباط باید اشاره نمود این همکاری‌های اولیه در حوزه اقتصادی و فنی نه تنها به همکاری در سایر بخش‌ها تسری یافته، بلکه موجب نوعی گفتمان مشترک و اتحاد در تصمیم‌گیری و از آن جلوتر، قانون‌گذاری و تدوین مقررات مبتنی بر اتحاد کشورها گردیده است.

1. Winston Churchill

2. Anthony Eden

3. Harold McMillan

4. Francois Mitterand

5. Functionalism

## زمینه های اجتماعی و فرهنگی

تلاش های انجام پذیرفته در اروپا با هدف نیل به هم‌گرایی در اصل ریشه در برخی عوامل و ویژگی های جوامع این قاره دارد که در یک روند تاریخی، موجب استقبال مردم و سیاست‌مداران این قاره از اندیشه‌های هم‌گرایی و در نهایت طرح اروپای واحد گردیده است. از جمله این عوامل و ویژگی‌ها می‌توان به موارد ذیل اشاره نمود:

### ۱- نوع ساختار سیاسی و حکومتی:

از آن‌جا که کشورهای اروپایی در پهنه تاریخ این قاره از ساختارهای نسبتاً مشابه سیاسی و حکومتی برخوردار بوده‌اند، این امر سهم غیر قابل‌انکاری در هم‌گرایی این کشورها در قالب اروپای واحد داشته است. سیستم حکومتی پادشاهی و پس از آن نظام مبتنی بر دمکراسی از جمله مؤلفه‌های تأثیرگذار در این فرآیند قلم‌داد می‌شوند.

### ۲- اشتراکات فرهنگی:

برخورداری از شباهت‌های فرهنگی بین جوامع اروپایی نقش قابل توجهی در شکل‌گیری هم‌گرایی بین کشورهای اروپایی داشته است. نهادهای تاسیس شده ناشی از این هم‌گرایی نیز با صرف بودجه فراوانی تلاش خود را برای تقویت فرهنگ اروپایی در مقابل فرهنگ‌های ملی به‌کار گرفته‌اند. اشتراکات فرهنگی، ریشه در تاریخ مشترک مجموعه جوامع اروپایی داشته و موجبات نزدیکی مردم این کشورها را فراهم می‌آورد و زمینه‌های بنیادین هم‌گرایی را کلید زده است.

### ۳- ویژگی‌های اقتصادی:

یکی از مؤلفه‌های مشترک بین جوامع اروپایی خصوصاً آن دسته از کشورهایی که بانی و هدایت کننده هم‌گرایی می‌باشند، برخورداری از ساختارهای مشترک اقتصادی می‌باشد. عمده این کشورها تابع مقررات سرمایه‌داری و هنجارهای اقتصاد مبتنی بر بازار هستند، لذا همین امر زمینه هم‌گرایی کشورها را در این قاره فراهم و تسهیل می‌نماید. بدیهی است بر اساس مقررات و رویه اروپایی، کشورهایی که فاقد ساختار مشابه می‌باشند برای عضویت در اتحادیه نیازمند همگون‌سازی ساختارهای اقتصادی خود و انجام اصلاحات می‌باشند.

## سیر تحول هم‌گرایی در اروپا

آن چه سنگ بنای وحدت اروپا را پایه گذارد، جامعه اروپا بود که روند شکل‌گیری آن به اعلامیه "روبرت شومان"<sup>۱</sup> وزیر امور خارجه فرانسه در ۹ ماه می ۱۹۵۰ در طرح مشترک برای زغال و فولاد برمی‌گردد که ژان مونه مبتکر و طراح آن بود و شومان به عنوان وزیر امور خارجه، مسئولیت طرح آن را پذیرفت. قرارداد زغال و فولاد اروپا در ۱۸ آوریل ۱۹۵۱ میان ۶ کشور اروپایی آلمان غربی، فرانسه، هلند، بلژیک، لوکزامبورگ و ایتالیا در پاریس امضا شد (خالوزاده، ۱۴۰۰: ۱۷-۱۸).

روند هم‌گرایی اروپایی از جامعه زغال و فولاد اروپا به صورت عملی آغاز و در سال ۱۹۵۵ در قالب طرح موسوم به بنلوکس<sup>۲</sup> که ناظر بر همکاری‌های اقتصادی، گمرکی و مالی بود و سنگ بنای اولیه تشکیل بازار مشترک اروپایی قلمداد می‌شد، ادامه یافت. در ۲۵ مارس ۱۹۵۷، معاهده جامعه اقتصادی اروپا و جامعه انرژی اتمی اروپا در رم به امضا رسید و از اول ژانویه ۱۹۵۹ به طور رسمی آغاز به کار نمود. از جمله اهداف معاهده رم، ایجاد اتحاد نزدیک‌تر میان مردم اروپا بود. پس از آن شاهد تسری همکاری‌ها به سایر حوزه‌های اقتصادی و فنی از جمله موضوع انرژی بوده که نهایتاً موجبات ظهور جامعه اروپایی را فراهم آورد. طی این سال‌ها موفقیت‌های چشم‌گیر رهبران اروپا برای نیل به هم‌گرایی باعث شد که تعداد قابل توجهی از کشورها به این اتحادیه پیوسته تا جایی که در سال ۱۹۷۳ با عضویت بریتانیا، ایرلند و دانمارک و پس از آن در سال ۱۹۸۱ با عضویت یونان و در سال ۱۹۸۶ با عضویت پرتغال و اسپانیا تعداد کشورهای عضو اتحادیه به ۱۲ کشور برسد.

همان‌گونه که اشاره شد، با پایان پذیرفتن جنگ جهانی دوم، سیاست‌مداران اروپایی به این جمع‌بندی رسیدند که مسیر اتحاد و حکومت یکپارچه در اتحادیه با جنگ و خونریزی توسط کشورها عملی نمی‌گردد و لازم است رهبران اروپایی در کنار هم با کنار گذاردن اختلافات و تاکید بر اشتراکات زمینه هم‌گرایی جوامع اروپایی را فراهم آورند. هرچقدر که از پایان جنگ جهانی دوم می‌گذشت، شاهد برنامه‌ریزی بیشتر و تعاملات گسترده‌تر کشورهای اروپایی برای نیل به هم‌گرایی در قالب یک اتحادیه بودیم. این روند هم‌گرایی با هدف عالی وحدت اقتصادی و سیاسی و پولی و نهایتاً اتخاذ سیاست خارجی واحد در مسیر خود قرار گرفته بود. نهایتاً بعد از یک سلسله تعاملات و تلاش‌ها در تاریخ ۹ و ۱۰ دسامبر ۱۹۹۱ رهبران اروپایی در شهر ماستریخت هلند گردهم آمده و پیمانی را به امضا رساندند که عملاً باعث ایجاد یک اتحادیه بزرگ متشکل از کشورهای اروپایی

<sup>۱</sup>. Robert Schuman

<sup>۲</sup>. Benelux

به نام اتحادیه اروپا گردید، با این امید که ظهور این نهاد فراملی و تشکل منطقه‌ای بتواند در سال‌های پیش‌رو به انتشار پول واحد اروپایی، رفت‌وآمد آزاد شهروندان در اتحادیه و اتخاذ سیاست خارجی مشترک و شاید ارتش واحد اروپایی منجر شود. گرچه تمام این آرزوها برآورده نگردید، ولی سال‌ها بعد از ظهور اتحادیه شاهد تقویت بیشتر هم‌گرایی در قالب انتشار یورو به‌عنوان پول واحد اروپا و توافق در قالب پیمان شنگن جهت رفت‌وآمد آزاد شهروندان و انتصاب نماینده عالی سیاست خارجی و امنیتی برای اتخاذ سیاست خارجی یکسان بودیم. پیمان ماستریخت مهم‌ترین سنگ بنا برای تشکیل اتحادیه اروپا به‌عنوان یک نهاد و سازمان فراملی قلمداد می‌شود. امضای این پیمان توسط رهبران اروپایی در حقیقت عملیاتی شدن توافقات گسترده وزرای خارجه کشورهای عضو با امعان نظر به سه رکن وحدت اقتصادی، سیاسی و پولی، اتخاذ سیاست خارجی مشترک و همکاری بیشتر در خصوص حقوق شهروندی، حقوقی و قضایی و تحقق وحدت اجتماعی اروپا محسوب می‌شد. پیمان ماستریخت نهایتاً در ۲۱۲ صفحه در تاریخ هفتم فوریه ۱۹۹۲ به وسیله نمایندگان ۱۲ کشور عضو جامعه اروپا به امضا رسید و عملاً از اول ژانویه ۱۹۹۵ اجرایی شده و نام جامعه اروپا به اتحادیه اروپایی تغییر یافت. در همین زمان سه کشور سوئد و اتریش و فنلاند رسماً به اتحادیه پیوسته و تعداد اعضای آن به ۱۵ عضو افزایش یافت. بر اساس برنامه زمان‌بندی پیمان ماستریخت، اتحادیه پولی و اقتصادی از اول ژانویه ۱۹۹۹ تکمیل و یورو به‌عنوان پول مشترک اروپایی از اول ژانویه ۲۰۰۲ متولد گردید. در ادامه فرایند هم‌گرایی، امضای پیمان شنگن در ۲۲ دسامبر ۱۹۹۴ بین ۹ کشور اروپایی، نقطه آغازین تحقق رویای قدیمی اروپایی برای رفت‌وآمد آزاد شهروندان بین کشورها و نیل به اروپای بدون مرز قلمداد می‌شود. در حال حاضر و با خروج بریتانیا از اتحادیه اروپایی ۲۶ کشور فرانسه، آلمان، بلژیک، هلند، لوکزامبورگ، ایتالیا، دانمارک، ایرلند، یونان، پرتغال، اسپانیا، اتریش، فنلاند، سوئد، لهستان، مجارستان، جمهوری چک، اسلوانی، استونی، لتونی، لیتوانی، مالت و بلغارستان به‌عنوان بزرگ‌ترین حوزه اقتصادی در قاره اروپا و یکی از بزرگ‌ترین بازارهای واحد در جهان به‌شمار می‌رود (خالوزاده، ۱۴۰۰: ۳۲).

### خاورمیانه، مؤلفه‌های واگرایی و هم‌گرایی

منطقه‌ای که امروز جهان آن را به‌نام خاورمیانه می‌شناسد، مهد تمدن‌های بشری و خاستگاه ادیان بزرگ الهی بوده است. تمدن غرب که امروز به تمدن بشری سراسر اروپا و آمریکای شمالی اطلاق می‌شود، ریشه در خاورمیانه کنونی دارد و بیشتر محققان معتقدند که تمدن غرب و در واقع



تمدن بشری از بین‌النهرین یعنی دره رود های دجله و فرات آغاز شده است (احمدی، ۱۴۰۰: ۳۳). خاورمیانه امروز به اصطلاح رایج آن شامل سرزمین‌هایی می‌گردد که از حدفاصل شرق ایران تا شبه جزیره عربستان و تا شمال آفریقا امتداد می‌یابد. ظهور اسلام و گسترش آن در سراسر خاورمیانه و ماورای آن، باعث غلبه اسلام و زبان عربی در منطقه گردید، هرچند در برخی مناطق مانند ایران، علی‌رغم پذیرش اسلام در مقابل پذیرش زبان عربی به‌عنوان زبان حاکم مقاومت صورت پذیرفته و فرهنگ و زبان فارسی در مقابل آن ایستادگی نمود.

جوامع خاورمیانه از چند حیث دارای تعارضات و اختلافاتی می‌باشند که خود نه تنها به‌عنوان مهم‌ترین دلایل فقدان هم‌گرایی، بلکه به‌عنوان دلایل واگرایی و افتراق این جوامع قلمداد می‌شوند. اسلام به‌عنوان یک دین فراگیر در منطقه گرچه می‌توانست زمینه‌ای برای هم‌بستگی جوامع اسلامی و نیل به هم‌گرایی عمیق محسوب شود، عملاً به‌دلیل رویکرد سیاست‌مداران و رهبران دینی منطقه به عاملی برای اختلاف و دشمنی تبدیل گردیده است. تقریباً از همان اوایل ظهور اسلام، با شکل‌گیری مذاهب شیعه و سنی، اختلافات پیروان این دو مذهب اصلی اسلامی نُضج و در طول زمان تعمیق گردید. این اختلافات مذهبی نه تنها بین کشورهای مختلف خاورمیانه مانع تفاهم و هم‌گرایی گردید، بلکه درون جوامع اسلامی منطقه نیز موجبات افتراق و اختلاف پدید آورده است. در همین ارتباط و به‌عنوان یک مثال ملموس، جامعه لبنان را می‌توان به بهترین وجه یک جامعه ناهمگون در نظر گرفت (احمدی، ۱۳۷۶: ۱۲۸).

بدون تردید در تعمیق اختلافات مذهبی بین جوامع شیعی و سنی، نقش برخی رهبران مفسران اسلامی پررنگ بوده است. یکی از نحله‌های فکری که باعث تشدید اختلافات بین مسلمان گردیده و عملاً به برخورد‌های سخت مذهبی و فرقه‌ای انجامیده است، سلفی‌گری و وهابیت می‌باشد. شخصیت محوری این رویکرد، ابن تیمیّه بود که در سال ۷۱۸ ه.ق. در شام، کرسی تدریس و افتاء را برعهده گرفت و در آن‌جا فتاوا و عقاید نادر خود را مطرح نمود (رضوانی، ۱۳۹۵: ۱۷). به عبارتی روشن، سلفیّه از سویی می‌گوید، بیاپید با کنار گذاشتن همه مذاهب به سوی یگانه شدن پیش رویم، اما در عین حال با دستی دیگر شمشیر تکفیر برکشیده و با حذف دیگران از جامعه اسلامی و راندن آنان به جمع کفار، مدعی است که جامعه اسلامی را یک دست نمایند (البوطی، ۱۳۸۷: ۱۶). این رویکرد چنان آثار ناگواری بر پیکره جامعه اسلامی برجای گذارده است که محاسبه هزینه‌های مادی و معنوی ناشی از آن بسیار دشوار و چه بسا ناممکن می‌نماید. بنابراین، به روشنی می‌توان درک نمود که اختلافات دینی و اعتقادی، نه تنها بزرگ-

ترین عامل بازدارنده در نیل به هم‌گرایی در خاورمیانه قلم‌داد می‌شود، بلکه خود زمینه‌ای برای درگیری‌ها و کشمکش‌های گسترده در داخل جوامع اسلامی منطقه و بین کشورهای مسلمان ایجاد نموده است.

از سویی دیگر، در اثر سلطه حکام مسلمانی که حفظ قدرت سیاسی‌شان را بر انجام تکالیف دینی ترجیح می‌دادند، نیروی جداکننده‌ای در اسلام به‌وجود آمد. از قرن هفتم میلادی و با شروع حکومت سلسله اموی و عباسی تا سقوط امپراطوری عثمانی در پایان جنگ اول جهانی، دولت اسلامی به تدریج از مفهوم اصلی خود فاصله گرفت و قدرت بین حکامی که به صدور قوانین در قلمرو و تحت صلاحیت خویش می‌پرداختند و محققان و رهبران دینی که بر اساس شریعت یا حقوق اسلامی حکم صادر می‌کردند، تقسیم شد. از این‌رو، دو جریان ارتباطی در جوامع و کشورهای اسلامی به‌وجود آمد که اغلب در جهت مخالف هم و به تدریج در تضاد با یک‌دیگر بودند. تغییر ماهیت دولت اسلامی در طی این دوره به بیگانگی و جدایی جامعه از دولت انجامید (مولانا، ۱۳۹۲: ۵۸-۵۹). فقدان دولت‌های کارآمد و مردم‌گرا در کنار بحران ناشی از اختلافات عمیق دینی و اعتقادی، مانع عمده‌ای برای هم‌گرایی بین کشورهای اسلامی شد. در حالی که مهم‌ترین اولویت حاکمان کشورهای منطقه، حفظ قدرت و سرکوب مخالفان به هر قیمتی بود، رایزنی و گفتگو با سایر کشورها برای قرار گرفتن در مدار هم‌گرایی و بهره‌مندی از منافع آن جای خود را به رقابت منفی و درگیری پیدا و پنهان برای تقویت قدرت خود و کاستن از قدرت رقبای منطقه ای داد.

همزمان با تحولات قرن نوزدهم و بیستم میلادی و متعاقب استقلال کشورهای منطقه، شاهد سربرآوردن گرایشات شدید ملی‌گرایانه درون کشورهای اسلامی بوده ایم. در همین ارتباط می‌توان به ظهور ملی‌گرایی ایرانی در قالب دولت شیعی، قدرت یافتن ناسیونالیسم عربی بدنبال استقلال کشورهای عرب زبان منطقه، گرایشات ملی‌گرایانه پان‌ترکی پس از فروپاشی امپراطوری عثمانی اشاره نمود. تمام این گرایشات تند ملی‌گرایانه نیز زمینه‌هایی برای ایجاد حس رقابت بوجود آورده و خود نقش منفی در هم‌گرایی ایفا نموده است.

### ساختارهای اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی

در کنار عوامل مورد اشاره پیشین، نقش عوامل اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی نیز در عدم موفقیت کشورهای منطقه در نیل به هم‌گرایی قابل‌واکوی می‌باشد. دمکراسی و آزادی‌های سیاسی که

خود می‌توانست زمینه هم‌زیستی مسالمت‌آمیز بین جوامع مختلف و به تبع آن رشد هم‌گرایی را فراهم آورد، از جمله این عوامل می‌باشد.

دستیابی به دموکراسی و آزادی‌های سیاسی از مهم‌ترین اهداف سیاسی در منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا بوده است و در طول چهار دهه گذشته نیروهای اجتماعی و سیاسی تلاش فراوانی برای تحقق آن اهداف نموده‌اند. با همه این تلاش‌ها، دولت‌های منطقه که بیشتر بر سیاست‌های اقتدارگرایانه متکی بوده‌اند، به شیوه‌های گوناگون، بر سر راه تحقق دموکراسی مانع تراشی نموده‌اند. بخش عمده دولت‌های موجود در منطقه در زمره رژیم‌های اقتداگرا و غیردموکراتیک طبقه‌بندی می‌شوند (احمدی، ۱۴۰۰: ۲۱۱). بدون تردید، در شرایطی که جوامع اسلامی ناتوان از بهره‌مندی از فضای باز سیاسی و مردم‌سالاری در درون جوامع خود بوده و این فضای بسته سیاسی زمینه کشمکش‌های درونی را فراهم آورده باشد، طبعاً امکان تعامل و تفاهم در سطح بالاتر بین دولت‌ها وجود نخواهد داشت.

از جمله عوامل دیگر فقدان هم‌گرایی در منطقه خاورمیانه، می‌توان به عوامل بیرونی اشاره نمود. وجود منابع طبیعی گسترده و اهمیت اقتصادی خاورمیانه باعث مطرح شدن نقش نیروهای خارجی می‌شود که از جمله موانع عمده دموکراسی در منطقه است. ناتان براون و عماد شاهین با تأکید بر این که دموکراسی در حال ریشه دواندن در خاورمیانه است، بر نقش نیروهای خارجی در شکل دادن به سیاست‌های اقتدارگرایانه غرب انگشت می‌گذارند. رابطه ویژه بسیاری از کشورهای اقتدارگرای منطقه، به‌ویژه کشورهای نفتی با غرب و حمایت دولت‌های غربی از آن، باعث بی‌اعتباری ادعای دموکراسی خواهی غربی‌ها در منطقه خاورمیانه شده است (احمدی ۱۴۰۰: ۲۳۰).

به نظر می‌رسد، برخلاف دو دوره پیشین، سیاست‌های بین‌المللی خاورمیانه (سیاست بازی شرق و سیاست دوران جنگ سرد) که میان ابرقدرت‌ها رقابت وجود داشت، دوران سیاست بین‌المللی خاورمیانه پس از جنگ سرد شاهد برآمدن یک ابر بلوک صنعتی شمالی است که تلاش می‌کند کنترل اقتصاد و فرآیند سیاسی در خاورمیانه را به‌منظور حفظ پویایی اقتصاد جهانی سرمایه‌داری در دست بگیرد و با سیاست‌های خود که در بردارنده رفتارهای دوگانه در خاورمیانه است به قاعده‌مندی نظام جهانی دست بزند. این امر نشان می‌دهد جبهه‌گیری پیشین بازیگران محوری نظام جهانی در برابر یکدیگر از میان رفته است و امکان مانور بازیگران منطقه‌ای برای تأمین منافع و افزایش قدرت ملی، چندان وجود ندارد (احمدی، ۱۳۸۸: ۳۳-۲۰). یکی دیگر از عوامل مهم تأثیرگذار بر فرآیند هم‌گرایی، ساختار و نظامات اقتصادی کشورها می‌باشد. این مسئله

از آن جا اهمیت دوچندان می‌یابد که تجربه‌های موفق هم‌گرایی منطقه‌ای در شرق و غرب همان‌گونه که پیش از این به بخشی از آن اشاره شد، نقطه آغازین تلاش خود را از همکاری‌های اقتصادی و فنی شروع نموده‌اند.

نظام اقتصادی کشورهای منطقه با همه تفاوت‌ها در دوران پس از استقلال با هم شباهت دارد و آن کنترل دولت بر اقتصاد است و به عبارتی اقتصاد دولتی، ویژگی اصلی این نظام‌ها بوده است. یکی از ویژگی‌های یکسان نظام اقتصادی منطقه در قرن گذشته گذار از اقتصاد دولتی سوسیالیستی به اقتصاد دولتی مبتنی بر سرمایه‌داری بوده است (احمدی، ۱۴۰۰: ۲۳۶). از سویی دیگر، تفاوت‌های سیاسی گسترده بین کشورهای منطقه و شیوه حکمرانی آن‌ها که در مدیریت اقتصاد داخلی نیز نمود می‌یابد و عدم تجانس زیرساخت‌های اقتصادی بین کشورها، از جمله عواملی است که پیشبرد روند هم‌گرایی را با دشواری‌های قابل توجهی همراه می‌سازد. طبیعتاً اقتصادهای دولتی ناکارآمد که در درون کشورها با صدها مشکل دست‌وپنجه نرم می‌نمایند، امکان هم‌پوشانی و تعامل در درون منطقه را از دست داده و از تجانس لازم برای هم‌گرایی برخوردار نمی‌باشند.

از حیث فرهنگی نیز اختلافات موجود و عدم تلاش برای تقویت حس تعامل و هم‌زیستی به عنوان عوامل منفی در هم‌گرایی قلمداد می‌شود. همان‌گونه که پیش از این اشاره شد، تفاوت‌های مذهبی در خاورمیانه که جای خود را به اختلاف و متعاقباً کشمکش داده است، نیز بر این تفاوت‌های فرهنگی انباشت شده و فقدان تلاش برای حل‌وفصل این اختلافات و یا عدم موفقیت تلاش‌های انجام پذیرفته در این ارتباط بر دامنه اختلاف افزوده است. به‌عنوان مثال، انقلاب اسلامی ایران و متعاقب آن قطع رابطه با مصر به تلاش‌های افرادی هم‌چون آیت‌اله تقی قمی که مساعی خود را برای تقریب سنی و شیعه به‌کار بسته بود، برای همیشه پایان بخشید (Brunner, 2004: 91).

در زمینه عدم تلاش برای مدیریت تعارضات موجود بین کشورهای خاورمیانه، بررسی‌های انجام پذیرفته مؤید این واقعیت است که تنها دو درصد از سازمان‌ها و مؤسسات فعال در زمینه صلح بین مذهبی در زمینه گفت‌وگوی شیعه و سنی تخصص دارند و این در حالی است که هزینه‌های ناشی از اختلاف و تنش‌های این دو رویکرد مذهبی قابل توجه بوده است، به طوری که از سال ۲۰۱۱ سهم تلفات در خشونت سازمان‌یافته با حداقل یک بعد هویت شیعی یا سنی بیش از ۴۰ درصد تعداد کل قربانیان خشونت سازمان‌یافته در جهان را به خود اختصاص داده است (Krause et al., 2019: 1-5).

### تلاش‌های نافرجام برای هم‌گرایی در خاورمیانه

وجود تمام مؤلفه‌های واگرایی در منطقه که به مهم‌ترین آن‌ها در بالا اشاره گردید، باعث نگردیده است که برخی رهبران و کشورهای منطقه در طول سالیان متمادی برای نیل به درجاتی از هم‌گرایی یا فراهم آوردن زمینه‌های آن از تلاش بازمانده یا نسبت به آن ناامید گردند. طی سده‌های گذشته درمقاطعی برخی کشورها نهایت سعی خود را برای فراهم آوردن زمینه صلح و هم‌زیستی و کاستن از بار دشمنی و رقابت به کار بسته‌اند، هرچند در تحقق این آرمان خود به دلایل متعدد ناکام بوده‌اند. ذیلاً به مهم‌ترین تلاش‌های انجام پذیرفته در منطقه در طول سده‌های گذشته که می‌توانست با کاستن از دشمنی و رقابت زمینه نوعی هم‌گرایی محدود منطقه‌ای را فراهم آورد، می‌پردازیم:

#### معاهده قصر شیرین ( صلح نامه ذهاب )<sup>۱</sup>

در ۱۴ محرم ۱۰۴۹ ( ۱۶۳۹ میلادی) پس از یک دوره جنگ‌های متوالی صلح‌نامه‌ای بین شاه صفی پادشاهی صفویه از ایران و سلطان مراد چهارم سلطان عثمانی در منطقه ذهاب قصر شیرین به امضا رسید. این عهدنامه حدود یک سده دوام یافت و تا زمان نادرشاه مورد استناد و پذیرش حکومت‌های ایران و عثمانی بود. بر اساس آن حدود مرزی میان ایران و عثمانی تعیین شد. به موجب آن، ایروان به ایران و بغداد به عثمانی تعلق گرفت و ایران متعهد شد به فعالیت‌های تبلیغی خود در قلمرو عثمانی خاتمه دهد. نتیجه صلح، بیشتر منافع عثمانی را تأمین کرد؛ چرا که ایران نفوذش را در بغداد از دست داد و شهرهای مذهبی و عتبات عالیات از دست ایران خارج شد و بعدها برای زوآر مشکلاتی پیش آورد. در این عهدنامه با این‌که مرز میان دو کشور به درستی مشخص نشد، برای بار نخست، به تعیین حدود مرزی این مناطق توجه گردید (عابدینی، ۱۳۹۵: ۲۱-۵۶). این عهدنامه اثرات مهمی در تاریخ ایران و منطقه برجای گذارد و نقطه عطفی در روابط بین دو قدرت بزرگ منطقه‌ای که رقابت بین‌شان موجد بسیاری از تنش‌ها و اختلافات بود به شمار می‌رفت؛ چراکه به موجب آن، تکلیف سرزمین‌هایی که سال‌ها مورد اختلاف بودند مشخص گردید و صلح بین دو قدرت عمده منطقه‌ای به مدت یک قرن تأمین گردید (نخی، ۱۳۹۱: ۴۶-۴۲).

صلح‌نامه ذهاب یا قصر شیرین دارای تبعات سیاسی، اجتماعی و اقتصادی خاص خود بود؛ چراکه به موجب آن بغداد، بصره و کل بین‌النهرین که از حیث اقتصادی و حمل‌ونقل و تجارت از اهمیت بالایی برخوردار بود، به تصرف عثمانی درآمد. در عین حال، اهمیت این معاهده از نظر هم‌گرایی به این دلیل است که امضای این توافق، عملاً به جنگ‌های مستمر بین دو قدرت اصلی

<sup>۱</sup>. Treaty of Zuhab

در منطقه پایان داد و روابط دو کشور ایران و عثمانی دوستانه شده و با تبادل سفرا و هدایا همراه گردید. شاید این معاهده اولین تلاش منسجم برای فراهم آوردن زمینه هم‌گرایی یا حتی‌الامکان خاتمه بخشیدن به انشقاق و واگرایی بیشتر قلمداد گردد. با تحولات بعدی در دوره شاه سلطان حسین، این معاهده مورد بی‌توجهی قرار گرفت.

### پیمان سعدآباد<sup>۱</sup>

پیمان سعدآباد، پیمانی منطقه‌ای بود که در اوضاع و احوال ناآرام قبل از جنگ جهانی دوم، میان چهار کشور همسایه افغانستان، ایران، ترکیه و عراق با پیش‌قدمی ایران در ۱۷ تیرماه سال ۱۳۱۶ هـ / ش / ۱۹۳۷ م. در کاخ سعدآباد تهران منعقد شد. پیمان مذکور متعهدین را ملزم به رعایت اصول عدم تجاوز مرزی، عدم مداخله در امور داخلی، تسویه صلح‌آمیز منازعات و... می‌نمود. از مهم‌ترین دلایل شکل‌گیری این پیمان می‌توان به ابتکار و علایق شخصی رضا شاه پهلوی و دیپلماسی منطقه‌ای او برای کاهش دخالت قدرت‌های جهانی در مسایل منطقه، تقویت قدرت و جایگاه ایران، مقابله با تهدیدات انقلابی داخلی اشاره نمود. علی‌رغم انتشار مطالبی مبنی بر دسیسه چینی بریتانیا یا شوروی در پیشبرد پیمان سعدآباد، بر مبنای بررسی‌های دقیق صورت گرفته، ارتباط دادن دلایل انعقاد این پیمان با دخالت این دو کشور، عاری از حقیقت است (فرجی، ۱۳۹۲: ۶۳-۵۵).

پیمان سعدآباد که به ابتکار کشور ایران در منطقه شکل گرفت و با همراهی سایر قدرت‌های منطقه‌ای تقویت شد، هم‌چون سایر تلاش‌های هم‌گرایانه به سرنوشت مطلوبی منتهی نشد و دیری نگذشت که با وقوع جنگ دوم جهانی و اتحاد شوروی و انگلیس برای اشغال ایران، در شهریور ۱۳۲۰ نه تنها هیچ‌کدام از متعهدین این پیمان به کمک ایران نشتافتند، بلکه عراق خاک خود را پایگاه حمله به ایران قرار داد. بدین ترتیب، بار دیگر شاهد تلاشی نافرجام برای نیل به هم‌گرایی حتی در مقیاس محدود منطقه‌ای بودیم که تحت تأثیر دخالت خارجی و تحولات جهانی ابرتر ماند.

### اتحادیه عرب<sup>۲</sup>

بارزترین سازمان منطقه‌ای که در سراسر خاورمیانه گسترده شده و تمامی کشورهای عرب این حوزه را در بر می‌گیرد، اتحادیه عرب می‌باشد. هدف اساسی اتحادیه، تقویت روابط میان

<sup>۱</sup>. Treaty of Saadabad

<sup>۲</sup>. Arab League

کشورهای عربی و گسترش همکاری‌های در حوزه اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی و اقتصادی است. شاید بتوان مبنای نظری تشکیل این سازمان را نظریه هم‌گرایی دانست؛ چراکه بر اساس این نظریه، دولت‌های ملی عامل نزاع بوده و رهایی از محدوده تنگ دولت‌های ملی و روی آوردن جامعه بین‌المللی و هم‌گرایی منطقه‌ای پیش درآمد صلح جهانی است. اعراب به دلیل برخورداری از دین، زبان و نژاد و فرهنگ مشترک بیشترین زمینه ایجاد هم‌گرایی در خاورمیانه را دارا می‌باشند، لذا بررسی تجربه تشکیل اتحادیه عرب و سنجش میزان موفقیت این اتحادیه در نیل به اهداف خود، مقیاس مناسبی برای ارزیابی احتمال شکل‌گیری انواع دیگری از مدل‌های هم‌گرایی می‌باشد.

اتحادیه عرب با برخورداری از ۳۱۷ میلیون نفر جمعیت در سال ۱۹۴۵ بین کشورهای عربی-اسلامی (مصر، عربستان سعودی، عراق، سوریه، لبنان، یمن، اردن) به ابتکار مصر تاسیس گردید. در شکل‌گیری اتحادیه عرب دو عامل ملی‌گرایی عربی و حمایت بریتانیا در مقابل عثمانی نقش قابل توجهی بازی نمودند؛ گرچه پس از جنگ اول جهانی، تلاش‌های محدودی برای اتحاد و هم‌گرایی بین دو یا چند کشور عربی منطقه شکل گرفته بود که از آن جمله می‌توان به عهدنامه اتحاد و برادری بین عربستان و عراق در آوریل ۱۹۳۶ و عهدنامه دوستی و مودت بین مصر و عربستان سعودی در ماه می ۱۹۳۶ اشاره نمود اما باید اذعان نمود تمام این موارد با شکست مواجه گردید. انگیزه‌های اولیه برای شکل‌گیری اتحادیه عرب، عبارت بودند از: خروج نیروهای فرانسوی از سوریه و لبنان و جلوگیری از تشکیل دولت یهودی در فلسطین که حکایت از تلاش برای ایجاد هم‌گرایی بر محور اهداف سیاسی داشت. (اعطایی، ۱۳۸۹: ۷۴-۷۳)

همان‌گونه که اشاره شد در ابتدای تشکیل اتحادیه عرب، اتحادیه مذکور توانست از استقلال بسیاری از کشورهای عربی حمایت نماید ولی در روند هم‌گرایی نتوانسته است عملکرد هماهنگ و سازنده‌ای داشته باشد. در دهه‌های ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ رویارویی حکومت‌های مترقی و محافظه‌کار اتحادیه را در معرض تشتت قرار داد به شکلی که هر جناح و گرایش رای خود را صائب می‌دانست. بعد از رویکرد کشورهای عربی نسبت به رژیم صهیونیستی و اخراج ده ساله مصر از این اتحادیه، بار دیگر اتحادیه عرب در معرض اختلاف قرار گرفت. در سال ۱۹۹۰، عملکرد اتحادیه عرب در قبال تهاجم عراق به کویت که هر دو اعضای از این تشکل بودند، ضربه‌ای دیگر به هم‌گرایی در قالب این اتحادیه برجای گذارد. به‌طور کلی دلایل ذیل را به‌عنوان عوامل واگرایی در این اتحادیه می‌توان بر شمرد:

الف) موضع‌گیری‌های متفاوت کشورهای عضو اتحادیه عرب در خصوص مسایل منطقه‌ای؛  
 ب) عکس‌العمل متفاوت در برخورد با مساله فلسطین با هدف بهره‌برداری‌های داخلی؛  
 ج) ناتوانی اتحادیه در حل مشکلات کشورهای عضو به دلیل فقدان روحیه همکاری و هم‌گرایی؛  
 د) تحولاتی هم‌چون حمله به عراق و همراهی کشورهای عضو با محور غرب در این زمینه.

از سوی دیگر اقدامات حکومت‌های اقتدارگرای عرب خصوصا صدام حسین ضربات شدیدی به رویکرد مبتنی بر تقویت هم‌گرایی بین اعراب زد تا جایی که باعث تضعیف ملی‌گرایی عربی، افزایش اختلافات میان اعراب، نزدیکی بیشتر به غرب گردید (اعطایی، ۱۳۸۹: ۹۰). به ایجاز باید اذعان نمود، اتحادیه عرب گرچه در ابتدا با استقبال سایر کشورهای عربی مواجه گردید اما در ادامه به دلیل مرزبندی‌های جغرافیایی، ثابت نمود که نیل به هم‌گرایی حتی در میان جوامع دارای زبان، دین، نژاد، فرهنگ، تنها در مواردی امکان تحقق می‌یابد که علایق، منافع و اهداف مشترک بین جوامع متجانس وجود داشته باشد. به دلیل فقدان روحیه هم‌گرایی و همکاری، وجود رقابت شدید بین اعضاء که دامنه آن حتی به محل برگزاری اجلاس‌ها کشیده شده است، اختلاف بر سر موضوعات مختلف، محوریت منافع شخصی رهبران و منافع ملی تک‌تک کشورها در مقایسه با منافع جمعی، عدم تمکین کشورهای عضو به پذیرش رهبری یک یا چند کشور، این اتحادیه نیز هم‌چون سایر ائتلاف‌های منطقه‌ای در خاورمیانه از دست یافتن به اهداف خود و ایجاد یک هم‌گرایی مؤثر و کارآمد ناتوان بوده است.

#### *اتحاد سوریه و مصر:*

پس از ملی شدن کانال سوئز و تبدیل جمال عبدالناصر به قهرمان جهان عرب، دور تازه‌ای از بحث‌های ضرورت وحدت اعراب از سوی ملی‌گرایان رادیکال شروع شد. این ناسیونالیست‌ها در واقع در جستجوی رهبری بودند که بتواند در رأس یک کشور قدرتمند عرب، زمینه‌ساز و مشوق وحدت اعراب باشد. پس از بالاگرفتن شهرت و آوازه ناصر، گروهی از ملی‌گرایان وحدت‌طلب و رمانتیک عرب که بیشتر در دمشق و بیروت پایگاه داشتند، ضرورت اتحاد کشورهای عرب را مطرح ساخته و اقدام به فشار و تشویق نمودند. این فشارها نهایتاً باعث گردید جمال عبدالناصر نسبت به اتحاد بین سوریه و مصر موافقت نشان دهد تا جایی که در ۲۲ فوریه ۱۹۵۸ این دو کشور رسماً با یکدیگر متحد و کشور جمهوری متحده عربی را تشکیل دادند.



جمهوری متحده عربی دارای یک قانون اساسی، یک پرچم، یک پارلمان، یک ارتش و یک دولت شد و قرار بود رهبری کشور تازه تاسیس به صورت دوره‌ای میان سوری‌ها و مصری‌ها تقسیم گردد. دیری نگذشت که اتحاد مصر و سوریه و سربرآوردن ملی‌گرایان پان عرب به بحرانی منطقه‌ای برای سایر کشورهای عربی تبدیل گردید. خودداری رهبران لبنان، اردن و عراق که بیش از سایر کشورها تحت فشار قرار داشتند، از پذیرش خواسته ملی‌گرایانه پان عرب‌ها، باعث بروز ناآرامی‌های ۱۹۵۸ گردید که نهایتاً به مداخله خارجی (آمریکا) در لبنان و (انگلیس) در اردن انجامید (احمدی، ۱۴۰۰ ب: ۱۳۰).

وحدت مصر و سوریه که به نوعی آغاز پان عربیسم قلمداد می‌شود، خود به بروز شکاف میان اعراب دامن زده و باعث اخلال کار این جمهوری توسط سایر کشورهای عربی گردید. از سوی دیگر در داخل جمهوری متحده عربی نیز بین رهبران سوری و مصری اختلاف ایجاد گردید و سوری‌ها به این باور رسیدند که مقامات مصری رویکردی تفوق‌آمیز داشته و درصدد کنترل همه شئون می‌باشند. مجموعه این مسایل و خصوصاً اختلافات درونی در جمهوری متحده عربی باعث گردید در سال ۱۹۶۱ جمال عبدالناصر رسماً این جمهوری را منحل و به امر داخلی مصر بپردازد (احمدی، ۱۴۰۰ ب: ۱۳۱). پس از تجربه تلخ جمهوری متحده عربی، عملاً تمام تلاش‌ها برای ایجاد هم‌گرایی عربی با شکست مواجه گردید.

#### شورای همکاری خلیج فارس:

شورا متشکل از شش کشور حاشیه جنوبی خلیج فارس (عربستان سعودی، بحرین، عمان، امارات متحده عربی، قطر، کویت) در سال ۱۳۶۰ (۱۹۸۱ میلادی) در شهر ریاض عربستان پایه گذاری شد. اندیشه نخستین تاسیس این سازمان به زمان خروج بریتانیا از منطقه خلیج فارس و رقابت میان ایران و عراق برای پر نمودن خلاء آن و ترس کشورهای حاشیه خلیج فارس بر می‌گردد. وقوع انقلاب اسلامی ایران و نگرانی‌های امنیتی از برهم خوردن توازن منطقه‌ای موجب تشدید این نیاز گردید. از سوی دیگر، تشکیل این شورا با هدف مقابله با اسلام‌گرایان، ملی‌گرایان عرب، گروه‌های چپ و رقبای قبیل‌های حاکمان این سرزمین‌ها بود. گرچه ایجاد هم‌گرایی بین کشورهای حاشیه خلیج فارس به دلیل برخورداری از ساختارهای سیاسی مشابه، پیوستگی سرزمینی، عامل جمعیت، اشتراکات قومی، زبانی و مذهبی باعث استمرار حیات این شورا گردیده و حتی در زمینه‌های اقتصادی و تجاری موفقیت‌هایی نیز کسب نموده ولی شورای همکاری خلیج

فارس در عرصه سیاست خارجی و مسایل امنیتی عملکرد چندان درخور توجهی نداشته و از ارایه رویکرد همسان ناتوان بوده است. در میان کشورهای عضو این شورا نیز منافع و گرایشات انفرادی کشورها از اولویت نسبت به رویکرد جمعی برخوردار می باشد. از سال ۱۳۸۹ (سال ۲۰۱۰ میلادی) و همزمان با بروز انقلابات عربی، شورای مذکور سیاست دوگانه‌ای را در قبال این تحولات اتخاذ نموده و ضمن حمایت از تحولات مصر و تونس با خیزش مردمی در بحرین به شدت مخالفت نموده و حتی در زمینه سرکوب و قلع و قمع معترضان به دولت بحرین یاری رساندند. علاوه بر این، میان کشورهای مختلف عضو شورا اختلافات مرزی و سیاسی متعددی وجود دارد که از جمله اختلاف شدید میان قطر و عربستان در این زمینه قابل اشاره است که در مقطعی در دهه ۱۳۹۰ موجب تشدید اقدامات دو کشور علیه یکدیگر گردید. به‌طور کلی و علی‌رغم موفقیت‌های نسبی در زمینه‌های اقتصادی و تجاری، به چند دلیل عمده این شورا در پایه‌گذاری نوعی اتحاد یا هم‌گرایی منطقه‌ای موفق و کارآمد نبوده است. از جمله این عوامل می‌توان به موارد ذیل اشاره نمود:

- ۱- اختلافات بین اعضا خصوصا در مورد مسائل مرزی که در چند مورد به اقدامات نظامی منجر شده است؛
- ۲- ضعف و ناتوانی کشورهای عضو در مواجهه با بحران‌های منطقه‌ای از جمله جنگ عراق و کویت و..؛
- ۳- انعقاد توافق‌نامه‌های مجزای اعضای این شورا با آمریکا و کشورهای غربی. لازم به توضیح است که بر اساس آمار موسسه مطالعات صلح سوئد موسوم به سیپری در مارس ۲۰۱۸ نام پنج کشور عضو این شورا در میان بزرگترین خریداران تسلیحات بوده است که در این میان عربستان رتبه دوم جهانی و امارات رتبه چهارم جهانی را به خود اختصاص داده اند؛
- ۴- عدم عضویت ایران و عراق بعنوان دو کشور مهم و تأثیرگذار در منطقه در این شورا که بدون مشارکت آن‌ها نیل به ثبات و هم‌گرایی میسر نمی‌باشد (مالکی، ۱۳۹۸: ۷۳۲-۷۲۶).

### رویکردهای نوین سیاست خارجی

خاورمیانه خصوصا در دو دهه گذشته بسیار تیره‌بخت بوده است اما خاورمیانه جدید ثروت بیشتر و بی‌نظمی کمتری دارد. اقتصاد کشورهای حوزه خلیج فارس، به ثروتمندترین و پویاترین اقتصادهای جهانی تبدیل گشته‌اند. این تغییرات فصل جدیدی را در خاورمیانه آغاز می‌کند که با

فرصت‌های تازه و خطرات جدیدی همراه است (Economist, 2023). خاورمیانه به سرعت در حال تبدیل شدن به رهبری مستقل و بلامنازع در آینده‌ای نزدیک است. بر اساس گزارش‌های وال استریت ژورنال و اکونومیست، نفوذ خاورمیانه در حال گسترش است. تولید ناخالص اقتصادی کشورهای خاورمیانه و شمال آفریقا (MENA) حدود ۵ تریلیون دلار بوده است. افزایش تقاضا برای منابع انرژی، افزایش سرمایه‌گذاری خارجی و داخلی، سیاست‌های قوی برای قطع وابستگی به درآمدهای نفت و گاز و سرمایه‌گذاری قابل توجه در آموزش و نیروی کار انسانی را می‌توان از جمله عوامل رشد پرشتاب اقتصادی در منطقه دانست (Younger, 2023).

در این فضای جدید دو کشور ایران و عربستان نقشی بی‌بدیل در تحولات منطقه خلیج فارس و خاورمیانه بازی می‌نمایند. این نقش تا حدی قابل توجه است که آینده تحولات خاورمیانه به شکلی به رویکردها و سیاست‌های این دو کشور گره خورده است. در این جا تلاش می‌گردد به اختصار آخرین تحولات در رویکرد این دو کشور در ارتباط با هم‌گرایی منطقه‌ای مورد اشاره قرار گیرد.

### رویکرد نوین عربستان در عرصه روابط خارجی

عربستان به‌عنوان خاستگاه دین اسلام از نفوذی سنتی بر جوامع اسلامی برخوردار می‌باشد. برای سالیان طولانی سیاست عربستان در عرصه روابط خارجی در سایه این نفوذ و جایگاه تدوین گردیده است. البته برخی اندیشمندان تمسک عربستان به مذهب و وهابیت را تنها پوششی برای ایجاد یکپارچگی داخلی دانسته و حکومت کنونی آل سعود و فقه سیاسی موجود در آن را مذمت نموده و معتقدند قرائت دینی جدید و حکومت متفاوتی باید جایگزین آن شود (الرشید، ۱۳۹۸).

با به قدرت رسیدن بن سلمان در ژوئن ۲۰۱۷، دیدگاه‌های وی عملاً خط مشی سیاست خارجی این کشور را ترسیم نموده است. بن سلمان طی این سال‌ها تمام تلاش خود را متوجه ایجاد اصلاحات داخلی در جامعه عربستان نموده است. وی پس از فائق آمدن بر رقبای داخلی خود، برنامه‌های اصلاحی بی‌سابقه‌ای را به مرحله اجرا گذارده است. در عرصه منطقه‌ای، مهم‌ترین آورده بن سلمان درک این واقعیت بود که استمرار دشمنی بین دو کشور ایران و عربستان حاصلی نداشته و مانعی بزرگ برای برنامه‌های بلندپروازانه وی محسوب می‌شود. وی همچنین سیاست سنتی عربستان در ارتباط با رژیم صهیونیستی را تغییر داده است. بن سلمان محور حرکت خود را توسعه عربستان قرارداداده و برای نیل به آن، تمام اهتمام خود را به‌کار بسته است. در حقیقت

تحولات اخیر در عرصه سیاست خارجی این کشور را می‌توان نتیجه غلبه این رویکرد توسعه محور دانست (Salman, 2023).

یک مطالعه جدید در تل‌آویو به تغییرات در برنامه‌های درسی عربستان سعودی طی پنج سال گذشته پرداخته است. در این روند مطالب درسی علیه رژیم صهیونیستی حذف شده، هرچند محتوای درسی علیه حزب‌الله لبنان، حوثی‌ها و اخوان المسلمین باقی مانده و همچنین مطالب مبتنی بر مدارا بر اساس استانداردهای یونسکو و ترویج صلح افزایش یافته است. مهم‌ترین تغییرات را می‌توان در تغییر نگرش منفی نسبت به یهودیان و حذف تقریباً همه نمونه‌های یهودستیزانه دانست. تمام این اقدامات در راستای فراهم آوردن زمینه اجرای سیاست نوین خارجی این کشور صورت پذیرفته است (Eichner, 2023). به هر ترتیب فاصله‌گرفتن از یکی از کشورهای کلیدی از رویکرد سنتی در عرصه روابط خارجی را شاید بتوان در چارچوب پارادایم فکری نوکارکردگرایانه که در ابتدای این مقاله نیز بدان پرداخته شد، توضیح داد.

### سیاست همسایگی جمهوری اسلامی ایران

به نظر می‌رسد تغییر نگاه و رویکرد در عرصه روابط خارجی منطقه‌ای در جمهوری اسلامی ایران نیز ظهور و بروز یافته است. این امر در ایران در قالب گفتمانی با عنوان سیاست همسایگی به مفهومی غالب در جهت‌گیری سیاست خارجی دولت سیزدهم تبدیل شد. به نظر می‌رسد تلاش ایران برای تقلیل آثار تحریم‌ها در نیل به این سیاست بی‌تأثیر نبوده باشد. در حال حاضر هسته اصلی انتظارات از دیپلماسی اقتصادی ایران را تدبیر مطلوب در قالب سیاست همسایگی مؤثر تشکیل می‌دهد. در این راستا، سیاست همسایگی در حقیقت به‌عنوان یک کنش نرم‌افزاری ویژه مبتنی بر تفکر و طراحی با هدف شکل دادن به نوعی درهم‌تنیدگی و هم‌تکمیلی در ابعاد مختلف تعریف می‌شود (شیرغلامی، ۱۴۰۰).

با تمام این توضیحات، به نظر می‌رسد که رویکرد جمهوری اسلامی ایران در تبیین هم‌گرایی منطقه‌ای دارای ابهام بوده و نیازمند نیل به تعریف مشخص با اهداف معین و رو به جلو باشد. پس از تبیین چارچوب‌های مفهومی برای آن چه از آن به‌عنوان سیاست همسایگی در دولت سیزدهم یاد می‌شود، می‌توان اهداف مورد نظر را در دستورکار قرار داد. اما به‌طور کلی رسیدن به این استنتاج در عرصه روابط خارجی جمهوری اسلامی ایران و اولویت یافتن هم‌گرایی اقتصادی بر رقابت‌های

منطقه‌ای و چالش‌های نظامی را می‌توان به عنوان طلیعه نیل به هم‌گرایی منطقه‌ای بین کشورهای مختلف خاورمیانه در نظر گرفت، هرچند تحقق واقعی هم‌گرایی نیازمند زمان است.

### نتیجه‌گیری

بهره‌گیری از تجربه مطلوب هم‌گرایی در اروپا، ما را وادار می‌دارد تا با هدف تلاش برای پیاده نمودن الگوی مشابه در منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا، زمینه‌های نیل به این نوع هم‌گرایی منطقه‌ای یا حتی الامکان ممانعت از واگرایی و افتراق بین کشورهای منطقه را مورد بررسی و تدقیق قرار دهیم. البته در مقایسه این دو باید به تفاوت‌های دو منطقه توجه نمود. باید دانست ماهیت حکمرانی یا حقوق بشر در منطقه غرب آسیا با منطقه اروپا و حتی آمریکا متفاوت است. تعریف از تأمین منافع و امنیت ملی در دیدگاه‌های غربی و شرقی با هم‌دیگر فرق می‌کنند. مفهوم دولت در نگاه شرقی احترام‌آمیز و مقدس است اما در نگاه غربی این مفهوم متفاوت دیده می‌شود. لذا در مقایسه تطبیقی دو منطقه اروپا و خاورمیانه از حیث نیل به هم‌گرایی، تفاوت‌های چشم‌گیری قابل احصا می‌باشد به شکلی که نیل به هم‌گرایی در خاورمیانه برخلاف اروپا، در آینده‌ای قابل پیش‌بینی بسیار دشوار می‌نماید.

بنابراین، در حالی که اتحادیه اروپایی خود را به‌عنوان تجربه‌ای از یک نوع هم‌گرایی موفق معرفی می‌نماید، در خاورمیانه موضوع در مسیری کاملاً متفاوت در جریان بوده است. اختلافات عقیدتی و مذهبی، ساختارهای دولتی اقتدارگرایانه، فقدان دموکراسی و آزاداندیشی، رقابت منفی و عوامل بیرونی نه تنها زمینه‌ای برای هم‌گرایی بوجود نیاورده است بلکه عملاً موجبات واگرایی، اختلاف و حتی کشمکش‌های مذهبی و فرقه‌ای را مهیا ساخته است. سلفی‌گری و به عبارتی رویکردهای افراطی مذهبی که دوره آن در اروپای مسیحی به اتمام رسیده و رنج ناشی از آن برای شهروندان اروپایی از ذهن‌ها پاک شده است در خاورمیانه موجبات درگیری و جنگ را فراهم آورده است. طبعاً در این چنین شرایطی، زمینه‌ای برای تعامل و گفت‌وگو میان‌دولتی برای حل و فصل اختلافات و تأکید بر اشتراکات وجود نخواهد داشت.

از عوامل دیگر واگرایی در خاورمیانه، می‌توان به دخالت‌های گسترده خارجی اشاره نمود. بدون تردید عامل دخالت خارجی چه از حیث انگیزشی یا سلبی نقش مؤثری در ایجاد رقابت منفی و اختلاف در منطقه برجای گذارده است. به‌طوری‌که رخنه و مداخله قدرت‌های بزرگ اروپایی در ممالک اسلامی خاورمیانه، تأثیر شگرفی بر رابطه میان دولت و نهادهای ارتباطی

داشت. تماس‌ها میان دنیای اسلام و غرب در قرون ۱۹ و ۲۰ باعث جذب بسیاری از کشورهای اسلامی به نظام‌های سیاسی شبه سکولار از سلطنت‌های موروثی تا جمهوری‌های غربی یا نظامی مدرن شد. این تحولات سبب شد برخی از روشنفکران و اندیشمندان در کشورهای خاورمیانه، نیل به توسعه و پیشرفت را صرفاً در تبعیت بی چون و چرا از الگوهای غربی ببینند. همین رویکرد موجب اختلاف نظر در جوامع اسلامی گردیده و بر دامنه تفاوت‌ها و اختلافات افزوده است.

از حیث اقتصادی، دیدگاه‌های گوناگونی درباره علل توسعه نیافتگی خاورمیانه و شمال آفریقا طرح گردیده است که از جمله می‌توان به دخالت عوامل خارجی، سلطه دولتی و فقدان خصوصی سازی (۴ درصد نرخ جهانی)، کارویژه رانتی دولت، فساد و عدم شفافیت، کمبود سرمایه خارجی و از همه مهم‌تر بی‌ثباتی و کشمکش منطقه‌ای و نظامی‌گری اشاره نمود.

به‌طور کلی، تجربه چندین تلاش برای ایجاد هم‌گرایی در منطقه خاورمیانه چه تلاش‌های غیرعربی و چه تلاش‌های عربی در پهنه تاریخ معاصر این منطقه، به روشنی مؤید ناکامی این کشورها در پایه‌ریزی هم‌گرایی موفق در منطقه بوده است. معاهدات منطقه‌ای و ایجاد ائتلاف‌ها و اتحادیه‌ها نتوانسته از میزان اختلافات و رقابت‌ها کاسته و زمینه ادغام و هم‌گرایی گسترده و چشم‌گیر را مهیا سازد هرچند در پاره‌ای موارد با موفقیت‌های محدود و مقطعی همراه بوده باشد. با این حال، در سال‌های اخیر، به نظر می‌رسد رویکرد جدیدی در کشورهای منطقه در عرصه روابط خارجی شکل گرفته است که محور آن را افزایش رفاه و توسعه اقتصادی تشکیل می‌دهد. در عربستان این رویکرد توسط بن سلمان مورد حمایت قرار گرفته است. در امارات و سایر کشورهای حاشیه خلیج فارس و همچنین در شمال آفریقا موضوعات اقتصادی و توسعه از اهمیت مضاعفی برخوردار شده‌اند. در جمهوری اسلامی ایران نگاه جدیدی در قالب سیاست همسایگی مطرح گردیده است. همگی این موارد می‌تواند تاحدودی نوید بخش تبعیت از مدل اروپایی برای هم‌گرایی منطقه‌ای باشد. با این همه، هم‌گرایی در خاورمیانه راهی بسیار صعب و دشوار در پیش دارد که از جمله الزامات آن فهم و اراده رهبران سیاسی، تقویت تساهل و تسامح مذهبی، احساس نیاز مشترک مردم، دست کشیدن از منافع انفرادی کشورها در راستای منافع جمعی، کاهش حس رقابت و جایگزینی حس هم‌زیستی و همکاری، رویکرد منسجم و یکپارچه در مقابل دخالت‌های خارجی، همگون‌سازی ساختارهای اقتصادی، تجاری و فنی و کمک به توسعه تعاملات انسانی، غلبه رویکرد توسعه محور و جایگزین سازی آن با رهیافت سنتی رقابت و درگیری می‌باشد.

## منابع و مأخذ

### فارسی:

- احمدی، حمید (۱۴۰۰)، *سیاست و حکومت در خاورمیانه (غرب آسیا) و شمال آفریقا*، تهران: نشر نی.
- احمدی، حمید (۱۳۷۶)، «ثبات سیاسی، دموکراسی و جامعه مدنی در جوامع ناهمگون»، *فصلنامه خاورمیانه*، شماره ۱۲.
- احمدی، حمید (۱۳۸۶)، «خاورمیانه و نظام بین الملل پس از جنگ سرد»، *فصلنامه سیاست، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی*، دوره ۳۹، شماره ۳.
- اعطایی، فرهاد (۱۳۸۹)، «سردستی، فهیمه، همگرایی میان کشورهای عضو اتحادیه عرب»، *فصلنامه مطالعات خاورمیانه*، شماره ۶۱، تابستان.
- البوطی، محمد سعید رمضان (۱۳۸۷)، *سلفیه بدعت یا مذهب*، ترجمه حسین صابری، چاپ سوم، مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی.
- برزگر، کیهان (۱۳۹۹)، «اهمیت تاریخ و تئوری در پژوهش‌های روابط بین‌الملل»، *فصلنامه علمی سیاست جهانی*، دوره نهم، شماره دوم، تابستان.
- پایگاه تخصصی وهابیت پژوهی (۱۳۹۸)، «مضاوی الرشید»، قابل دسترسی در: [www.alwahabiyah.com](http://www.alwahabiyah.com)
- خالوزاده، سعید (۱۴۰۰)، *اتحادیه اروپایی*، تهران: انتشارات سمت.
- دهقانی فیروزآبادی، سیدجلال (۱۳۹۴)، *نظریه‌ها و فرآیندها در روابط بین‌الملل*، تهران: نشر مخاطب.
- رضوانی، علی اصغر (۱۳۹۵)، *سلسله مباحث وهابیت*، چاپ ششم، تهران: انتشارات حکمران.
- شیرغلامی، خلیل (۱۴۰۰)، «سیاست همسایگی جمهوری اسلامی ایران میانی اقتصادی»، *فصلنامه سیاست خارجی*، سال ۳۵، شماره ۳، پاییز.
- عابدینی، ابوالفضل (۱۳۹۵)، «عهدنامه زهاب»، *دانشنامه جهان اسلام*، جلد ۲۱.
- فرجی، مهدی (۱۳۹۲)، «جستارهایی پیرامون پیمان سعد آباد و عوامل پیدایش آن»، *پژوهشنامه خراسان بزرگ*، شماره ۱۱، تابستان.
- مالکی، محمد (۱۳۹۸)، *دانشنامه جهان اسلام*، جلد ۲۷.
- مولانا، حمید (۱۳۹۲)، *اسلام و بحران‌های جهان معاصر*، چاپ سوم، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- نخی، نسرين (۱۳۹۱)، «معاهده صلح ذهاب» *مجله رشد آموزش*، شماره ۴۷، تابستان.

### انگلیسی:

- Brunner, Reiner (2004), *Islamic Ecumenism in the 20th Century*, Volume 91. Boston: Brill, Leiden

- Economist, T. (2023). The Gulf's boundless ambition to change the world. At: <https://www.economist.com/leaders/2023/09/07/the-gulfs-boundless-ambition-to-change-the-world>
- Eichner, I. (2023, 07 16), "No more 'monkeys' and 'pigs': Anti-Israeli content removed from textbooks in Saudi Arabia". **Ynetnews**. At: <https://www.ynetnews.com/article/r1qvgpwqn#autoplay>
- Krause Diano, Svensson Isak and Larsson Gorran (2019), "Why is there so little Shia-Sunni Dialogue? Understanding the Deficit of Intra-Muslim Dialogue and Interreligious Peace-making", **MDPI, Religions** 2019, 10, 567. At: <https://doi.org/10.3390/rel10100567>
- Salman, M. B. (2023). "Muhammad Bin Salman Interview on Fox News" September 23. At: <https://press.foxnews.com>
- Younger, J. (2023). "The Middle East is Fast Bcoming A leader in Freelance Revolution". **Forbes**. At: <https://www.forbes.com/sites/jonyounger/2023/09/18/the-middle-east-is-fast-becoming-a-leader-in-the-freelance-revolution/?sh=1548a2e2557f>.